

بازتاب سمت‌گیری سیاست خارجی در گفتارها و نوشتارهای آیت‌الله‌خامنه‌ای ۱۳۶۸-۱۳۸۸

حسین جعفرزاده بهابادی^۱
محسن خلیلی^۲

چکیده: سمت‌گیری سیاست خارجی، عبارت از ایستارها و تعهدات کلی یک دولت در برابر محیط خارجی و استراتژی اصلی آن برای تحقق هدف‌های خارجی و داخلی و مقابله با تهدیدات مستمر است. مسئله نوشتار حاضر این است که مشخص کند که یک رهبر انقلابی به کدام یک از سمت‌گیری‌های موجود در سیاست خارجی، گرایش دارد. بنابراین، پرسش اصلی مقاله، جست‌وجوی چستی بسامد جهت‌گیری‌های سیاست خارجی در آثار رهبر کنونی کشور ایران است. فرضیه‌های اولیه، گمانه‌هایی بود که در باب فراتری یا فروتری یکی از سه جهت‌گیری در مقایسه با همدیگر، مطرح می‌شد. نگارندگان با توجه به شاخص‌های سه سمت‌گیری انزوگرایی، عدم تعهد، اتحاد/ائتلاف، که برگرفته از الگوی نظری هالستی از سیاست خارجی است و با تأکید بر حلقه اول از الگوی تحلیل نهادی هیلزمن که در ایران، مقام‌رهبری می‌باشد، کوشش کرده‌اند با شمارش مضمون‌های هم‌پیوند با شاخص‌های سمت‌گیری، در گفتارها و نوشتارهای آیت‌الله‌خامنه‌ای در بازه زمانی ۱۳۶۸-۱۳۸۸، نشان دهند که می‌توان به این دستامد رسید که فراوانی حاصل از این شاخص‌ها، نمایان‌گر سفارش به اتخاذ دو سمت‌گیری عدم تعهد و اتحاد/ائتلاف در سیاست خارجی دین‌پایه است. روش به‌کار بسته‌شده در نوشتار پیش‌رو، آمیزه‌ای از تحلیل کمی (شمارش بسامد شاخص‌های مرتبط با جهت‌گیری‌های سه‌گانه در سیاست خارجی) و تحلیل کیفی (تفسیر یافته‌ها) است. یافته تفسیری برآمده از نوشتار، نشان‌دهنده این نکته است که نوعی واقع‌گرایی برای دور ساختن یک سیاست خارجی انقلابی دینی، از انزواجویی، بر گفتار و نوشتار مقام عالی‌رتبه کشور، چیره است.

واژگان کلیدی: سیاست خارجی، سمت‌گیری، آیت‌الله‌خامنه‌ای، گفتارها، نوشتارها، ۱۳۶۸-۱۳۸۸

۱. آقای حسین جعفرزاده بهابادی، دانش‌آموخته کارشناسی ارشد علوم سیاسی دانشگاه فردوسی مشهد (hosseinjafarzadeh1365@yahoo.com)

۲. آقای محسن خلیلی، دانشیار علوم سیاسی دانشگاه فردوسی مشهد، نویسنده مسئول مکاتبات (khalilim@um.ac.ir)

تاریخ تصویب: ۱۳۹۳/۳/۲۸

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۱۲/۴

مقدمه

سیاست خارجی، استراتژی یا مسیر طراحی شده است که به وسیله تصمیم‌گیرندگان یک دولت در برابر دولت‌های دیگر یا موجودیت‌های بین‌المللی دیگر، برای رسیدن به اهداف خاصی که بر حسب منافع ملی تعریف می‌شوند، اخذ می‌شود (طاهایی، ۱۳۸۷: ۲۰). دولت‌ها در ارتباط با ساخت اقتصادی و اجتماعی حاکم بر جامعه و با در نظر گرفتن منافع اقشار و طبقاتی که نمایندگی می‌کنند و نیز با توجه به نوع و ماهیت نظام بین‌الملل برای دستیابی به اهداف سیاست خارجی خویش، از جهت‌گیری‌های مختلفی پیروی می‌کنند (ازغندی، ۱۳۸۹: ۲۳).

هالستی از سمت‌گیری یا استراتژی در کنار نقش‌ها و هدف‌ها به‌عنوان برون‌دادهای سیاست خارجی نام می‌برد. از نظر او استراتژی یا سمت‌گیری کلی یک دولت به‌ندرت در یک تصمیم نمایان می‌شود، بلکه از سلسله تصمیمات متوالی معلوم می‌شود که در تلاش برای انطباق هدف‌ها، ارزش‌ها و منافع با شرایط و ویژگی‌های محیط داخلی و خارجی اتخاذ شده‌اند. با بررسی ساختار قدرت و اعمال واحدهای سیاسی در نظام‌های بین‌المللی مختلف، دست‌کم می‌توان سه سمت‌گیری انزواگرایی، عدم‌تعهد و ایجاد ائتلاف و تشکیل اتحاد را مشخص ساخت (هالستی، ۱۳۷۳: ۱۶۶). رهبران دولت‌ها، سمت‌گیری‌های متفاوت و سیاست خارجی مختلفی را به اجرا می‌گذارند. در واقع دولت‌ها در مناسبات بین‌المللی جهت تأمین اهداف خود در راستای منافع ملی، با در نظر گرفتن ساختار نظام و شرایط داخلی موجود اقدام به اتخاذ استراتژی‌های مناسب می‌کنند. جمهوری اسلامی ایران در سیاست خارجی خود دارای نظام ارزشی برگرفته از دستورها و جهان‌بینی اسلامی است. نظام ارزشی و اسلامی موجود در سیاست خارجی ایران مبنای رفتار سیاست خارجی آن است (ستوده، ۱۳۸۰: ۱۶۴). ماهیت انقلابی جمهوری اسلامی ایران سبب‌ساز دو دسته از مسئولیت‌های ملی و فراملی در کشور شده است. تصمیم‌گیرندگان سیاست خارجی جهت تأمین اهداف (ملی و فراملی)، با توجه به شرایط بین‌المللی و داخلی، جهت‌گیری کلی سیاست خارجی را ترسیم نمایند. نگارندگان با پذیرش این فرض که مقوله‌ای متمایز به نام سیاست خارجی در یک نظام دینی/انقلابی، وجود دارد، خواسته‌اند نشان دهند که جهت‌گیری‌های ممکن در یک سیاست خارجی در دولتی دین‌گرا، چه ویژگی‌هایی پیدا می‌کند.

در این پژوهش علاوه بر بهره‌گیری از الگوی نظری هالستی در مورد سمت‌گیری‌های سیاست خارجی و با مفروض قرار دادن حلقه اول از الگوی تحلیل نهادی هیلزمن، سعی شده است مؤلفه‌های سمت‌گیری یک سیاست خارجی متمایز از دیدگاه مقام رهبری جمهوری اسلامی ایران بررسی شود. رهیافت موجود در الگوی

تحلیل نهادی هیلزمن براساس نقش‌های ارائه‌شده از سوی بازیگران قرار داده شده است و سیاست خارجی را محصول ایفای نقش‌های چهارگانه بازیگران می‌داند. حلقه اول از این الگو - که تمرکز نویسندگان بر آن است - اشاره به بازیگران محوری دارد که در اخذ تصمیمات در سیاست خارجی نقش اصلی را دارند. در این میان در مورد ایران، مقام رهبری که از والاترین جایگاه حاکمیتی برخوردار است؛ در کانون تصمیم‌گیری‌های کلان سیاست خارجی قرار دارد. بر این اساس، نگارندگان پس از واکاوی مفهوم سمت‌گیری سیاست خارجی با رجوع به متن ۲۰ سال از بیانات و نامه‌های آیت‌الله خامنه‌ای، به روش تحلیل کمی/کیفی، سعی در شناخت سمت‌گیری‌های سیاست خارجی ایران به‌عنوان الگویی از یک سیاست خارجی دین‌خوبانه و انقلابی دارند.

آنچه این نوشتار در پی آن است بازخوانی سمت‌گیری‌های سیاست خارجی ایران در بازتفسیر نوشتارها و گفتارهای آیت‌الله خامنه‌ای است. پرسش اصلی مقاله این است که بازشماری گفتارها و نوشتارهای مقام رهبری ایران، نمایان‌گر حضور کدام یک از سمت‌گیری‌های سیاست خارجی است؟ در واقع، بازتفسیر و بازشماری نوشتارها و گفتارهای مقام رهبری، توصیه به اتخاذ کدام یک از سمت‌گیری‌های سیاست خارجی می‌نماید؟ با توجه به روش نوشتار، پربسامد بودن برخی از مقولات مرتبط با سمت‌گیری عدم‌تعهد و اتحاد و ائتلاف بیان‌گر هژمونیک شدن این سمت‌گیری‌ها در سیاست خارجی ایران می‌باشد. فرض نخستین نگارندگان چنین است: به نظر می‌رسد در بیانات و مکتوبات آیت‌الله خامنه‌ای، سمت‌گیری عدم‌تعهد در برابر قدرت‌های بزرگ، و اتحاد و ائتلاف با کشورهای اسلامی از بسامد بیشتری برخوردار است. همچنین در این نوشتار بسامد شاخص‌های سمت‌گیری عدم‌تعهد و اتحاد و ائتلاف، مورد مقایسه قرار گرفته است.

تاکنون پژوهش مستقلی در مورد سمت‌گیری در سیاست خارجی از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای به سبک و سیاقی که نگارندگان در این نوشتار در پیش گرفته‌اند انجام نشده است. کتاب‌ها و مقالاتی در ارتباط با سیاست خارجی دولت‌های اسلامی نوشته شده؛ ولی، در هیچ‌یک از این پژوهش‌ها، به بررسی سمت‌گیری سیاست خارجی از دیدگاه مقام رهبری ایران پرداخته نشده است. نخعی (۱۳۷۶)، حقیقت (۱۳۷۶)، ازغندی (۱۳۸۹)، ستوده (۱۳۸۵)، طاهایی (۱۳۸۷)، دهقانی فیروزآبادی (۱۳۸۸) و (۱۳۹۰)، سریع‌القلم (۱۳۷۹)، نقیب‌زاده (۱۳۸۸)، صفوی (۱۳۸۷)، عیوضی (۱۳۸۱)، یزدانی (۱۳۷۸)، غرایاق‌زندنی (۱۳۸۶)، خانی (۱۳۸۹)، رسولی‌ثانی‌آبادی (۱۳۹۰)، نوشتارهای مفیدی درباره سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران نشر داده‌اند؛ اما، نگارندگان در مقاله پیش‌رو، سبکی دیگر برگزیده و به بررسی سمت‌گیری‌ها در سیاست

خارجی متمایز ایران انقلابی پرداخته‌اند. نگارندگان مقاله، با در نظر گرفتن جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان کشور تأثیرگذار در سطح منطقه و بین‌الملل و همچنین با در نظر گرفتن مقام رهبری جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان یکی از مؤثرترین شخصیت‌های جهان اسلام، کوشش کرده‌اند از خلال شمارش بسامد شاخص‌های دو استراتژی عدم‌تعهد و اتحاد و ائتلاف در گفتارها و نوشتارهای ایشان، به این دستاورد برسند که می‌توان الگویی نظری از خلال مکتوبات و بیانات ایشان، استخراج کرد و آن را به‌عنوان سفارش به سمت‌گیری در سیاست خارجی معرفی نمود.

۱. سیاست خارجی اسلامی

پرداختن به مفهوم سیاست خارجی اسلامی، نیازمند به تعریف مفهوم "سیاست خارجی" است. سیاست خارجی را می‌توان مجموعه اقداماتی دانست که دربرگیرنده تأمین منافع ملی توسط بخش‌های گوناگون دولت یک کشور در پیوند با دولت‌های دیگر در صحنه بین‌المللی است و دربرگیرنده اقدامات برون‌مرزی تصمیم‌گیران کشور به‌منظور دستیابی به اهداف درازمدت و کوتاه‌مدت می‌باشد (هالستی، ۱۳۷۷: ۳۲) و یا سیاست خارجی یک استراتژی یا رشته اقدامات برنامه‌ریزی‌شده است که تصمیم‌گیرندگان یک کشور با هدف نیل به اهداف خاصی که بر حسب منافع ملی تعریف شده‌اند، در مقابل کشورها یا پدیده‌های بین‌المللی دیگر به‌مرحله اجرا می‌گذارند (پورمحمدی، ۱۳۸۶: ۸۳؛ پلینو و التون، ۱۳۷۷: ۲۰).

مراد از "سیاست" در مفهوم سیاست خارجی به‌معنای "کارگردانی منافع متضاد" است، یعنی سیاست به‌عنوان مشی‌ای سیاسی محسوب می‌شود که از تلفیق دانش علمی نسبت به محیط با انگیزه مادی و معنوی و همچنین مهارت اجرا حاصل می‌آید (سیف‌زاده، ۱۳۷۶: ۳). همچنین کلمه سیاست در این مفهوم، علاوه بر خط‌مشی اصول و هدف‌ها، راهکارهای اجرایی و اجرای اهداف را هم دربر می‌گیرد (مقتدر، ۱۳۷۰: ۱۰۴). سیاست خارجی مجموعه‌ای از روابط بین‌الملل است؛ ولی، واقعاً بر سر این که چه چیزی باید در مورد این اصطلاح بگنجد توافقی وجود ندارد. تحلیل‌گران مختلف دل‌مشغولی‌هایشان سیاست‌هایی است که دولت‌ها اظهار می‌دارند، تصمیماتی است که در محافل دولتی اتخاذ می‌شود، فرآیندهایی است که منجر به اتخاذ سیاست یا تصمیمی می‌شود، اعمالی که واقعاً دولت‌ها انجام می‌دهند و پیامدهای رفتار دولت‌ها و نمایندگان رسمی آن‌هاست. سیاست خارجی برون‌داد دولت در نظام جهانی است. برخی از تحلیل‌گران معتقدند که در مطالعه سیاست خارجی قبل از هر چیز باید مطالعه خود را بر رویدادهایی که واقعاً اتفاق افتاده متمرکز کنیم (راست و استار، ۱۳۸۱: ۲۴۵).

برای شناخت سیاست خارجی اسلامی قبل از هرچیز باید به "مرکزیت دین" عمیقاً توجه داشته باشیم (نخعی، ۱۳۷۶: ۱۹۳). چارچوب سیاست خارجی دولت اسلامی، برگرفته از منابع اسلامی است به طوری که پایبندی به این اصول که مستند به قرآن و سنت است، وجه تمایز دولت اسلامی از دیگر دولت‌ها خواهد بود (حقیقت، ۱۳۸۵: ۷۲). دولت اسلامی به دلیل جهان‌شمول بودن آرمان‌های دینی خود، دارای وظایف و اهدافی است که متمایز از دیگر کشورهاست (حقیقت، ۱۳۷۶: ۱۴۴). دولت اسلامی به اصول ارزشی سیاست خارجی خود و تعالیم اسلامی و مکتبی پایبند می‌باشد. اصول سیاست خارجی دولت اسلامی برای دستیابی به اهداف آن، ابزارها و استراتژی را مشخص می‌کند و حدود استفاده از هر ابزار و شرایط آن را تعیین می‌نماید (حقیقت، ۱۳۸۵: ۲۳).

بنابراین در سیاست خارجی دولت اسلامی نقش مکتب اسلام و دیدگاه‌های موجود نسبت به آن تعیین‌کننده است، همان‌گونه که خصلت‌های فرهنگی و ایدئولوژیک ممکن است در سیاست خارجی هر کشوری تأثیرگذار باشد، دولت اسلامی نیز ارزش‌های مکتبی خود را بر چارچوب و اهداف سیاست خارجی حاکم می‌بیند (حقیقت، ۱۳۸۵: ۲۱). یک سیاست خارجی اسلامی "تکلیف‌محور" است. منطق رفتار کنش‌گر اسلامی که تصمیمات و رفتار سیاست خارجی دولت اسلامی بر پایه آن شکل می‌گیرد منطق، تکلیف است، زیرا انگیزه رفتار، میزان سازگاری با اهداف الهی و مشروعیت آن بر اساس وظایف و تکالیف شرعی می‌باشد (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۰: ۲۰) به طوری که وظیفه و تکلیف یک دولت اسلامی پیاده‌کردن اصولی از جمله نفی سبیل (طرد و نفی سلطه امپریالیسم)، مبارزه با مستکبران و حمایت از مستضعفین جهان، دفاع از ارزش‌های اسلامی، یکپارچگی سیاسی دارالاسلام می‌باشد. آیت‌الله خامنه‌ای در این زمینه چنین بیان می‌دارند: "ملت ایران فقط به دنبال تکلیف و مسئولیت خود و در پی ادامه راه نورانی خود حرکت می‌کند و با شیاطین به مبارزه می‌پردازد و در مقابل خواست شیاطین می‌ایستد. بزرگ‌ترین مبارزه با استکبار و با شیاطین استکبار این است که انسان تسلیم خواست و تحمیل آن‌ها نشود. امروز ملت ایران این مبارزه بزرگ را دارد و این راهی است که امام بزرگوار ما در مقابلمان باز کرد و ملت ایران از این راه پیش رفت و حرکت نمود و بحمدالله به عزت رسید؛ امروز هم همان راه را با قوت و شدت ادامه می‌دهد" (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۶/۱۱/۱۴-الف).

همچنین ایشان در حمایت از مظلومان و مبارزه با مستکبرین بیان می‌دارند: "مقصود از مبارزه این است که ملت ایران، در مقابل کید و تعرض و دست‌اندازی و تلاش‌های سیاسی دشمن و انواع و اقسام کارهایی که می‌کند تا دوباره کشور ایران را به

یکی از اقمار خود تبدیل نماید، با شدت و قدرت خواهد ایستاد و مقاومت خواهد کرد، مبارزه، یعنی این. مبارزه با استکبار، یعنی هر جا که در سطح جهان، دستمان برسد، نسبت به استکبار، افشاگری خواهیم کرد. هر جایی که مظلومی، از ظلم استکبار دچار آسیب است و به جان آمده، ما هر طور بتوانیم، طرف آن مظلوم را خواهیم گرفت" (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۵/۰۸/۰۹ - ب)؛ و در دفاع از اسلام و ارزش‌های اسلامی چنین عنوان می‌کنند: "اگر مسلمین بخواهند از اسلام دفاع کنند، باید خودشان قوی بشوند. ما در ایران اسلامی و در نظام مقدسی که بر پایه دین و به دست فرزند پیامبر و سلاله عترت - امام امت (رضوان‌الله‌علیه) - پدید آمد، بنا داریم که با همه توان و با همه نیروی ملی و ذاتی و ایمانی مردم خودمان، به سمت اقتدار واقعی و حقیقی اسلام پیش برویم و مطمئنیم که خداوند به ما کمک خواهد کرد" (آیت‌الله‌خامنه‌ای، ۱۳۶۹/۰۳/۰۴ - ج).

۲. سمت‌گیری سیاست خارجی

سمت‌گیری یا استراتژی، در واقع خط‌مشی کلی یک کشور است که روش یا سیاست کلی برای نیل به هدف‌های معین را مشخص می‌کند. بنابراین، "اداره کشور وظیفه رهبران و سردمداران نیست، وظیفه استراتژی‌هاست، رؤسای جمهوری، وزرا و سیاست‌مداران نباید پرکارترین مردم کشور باشند؛ اگر آن‌ها زیاد کار می‌کنند نشانه ضعف یا فقدان استراتژی است. تنها استراتژی‌ها هستند که می‌توانند کشور را اداره کنند. اگر کشوری خوب اداره شود، استراتژی‌های خوب انتخاب شده‌اند، نه آن که مدیران خوبی انتخاب شده باشند. ضعف سیاست‌مداران به عدم توانایی آن‌ها برای تدوین استراتژی‌ها و یا تبلیغ آن استراتژی‌ها منحصر و محدود می‌شود" (آقابخشی و افشاری‌راد، ۱۳۸۳: ۶۶۱). هالستی، سمت‌گیری را ایستارها و تعهدات کلی یک دولت در برابر محیط خارجی و استراتژی اصلی آن برای تحقق هدف‌های خارجی و داخلی و مقابله با تهدیدات مستمر می‌داند. استراتژی یا سمت‌گیری کلی یک دولت به‌ندرت در یک تصمیم نمایان می‌شود، بلکه از سلسله تصمیمات متوالی معلوم می‌شود که در تلاش برای انطباق هدف‌ها، ارزش‌ها و منافع با شرایط و ویژگی‌های محیط داخلی و خارجی اتخاذ شده‌اند. با بررسی ساختار قدرت و اعمال واحدهای سیاسی در نظام‌های بین‌المللی مختلف، دست‌کم می‌توان سه سمت‌گیری انزوآگرایی، عدم‌تعهد و ایجاد ائتلاف و تشکیل اتحاد را مشخص ساخت. در انتخاب هرکدام از این استراتژی‌ها چهار وضعیت یا متغیر می‌تواند تأثیرگذار باشد.

نخستین آن‌ها ساختار نظام بین‌الملل است. در ساختار دوقطبی و یا سلسله‌مراتبی استراتژی انتخاب‌شده از طرف واحدهای بین‌الملل متفاوت خواهد بود. به‌عنوان مثال برای یک واحد سیاسی در نظام سلسله‌مراتبی این امکان وجود ندارد که تلاشی برای ائتلاف علیه مرکز به‌وجود آورد. دوم ماهیت ایستارهای داخلی و نیازهای اجتماعی و اقتصادی یک دولت می‌تواند با استراتژی کلی آن پیوند داشته باشد. سوم، میزان درک سیاست‌گذاران از یک خطر خارجی مستمر که ارزش‌ها و منافع‌شان را تهدید می‌کند، تأثیر زیادی بر سمت‌گیری آنان در مقابل محیط خارجی خواهد داشت. سرانجام، موقعیت جغرافیایی و خصوصیات پستی و بلندی و موهبت برخورداری از منابع طبیعی، اغلب می‌توانند به انتخاب سمت‌گیری یک دولت مربوط گردند (هالستی، ۱۳۷۳: ۱۶۷-۱۶۵).

۲-۱. استراتژی انزوگرایی

یکی از استراتژی‌هایی که ممکن است کشورها در سیاست خارجی خود در رابطه با دیگر واحدهای سیاسی اتخاذ کنند انزوگرایی می‌باشد. اتخاذ این استراتژی خود متأثر از ساختار بین‌الملل، نیازهای اجتماعی و اقتصادی داخلی، درک سیاست‌گذاران از تهدیدات خارجی و موقعیت جغرافیایی می‌باشد. انزوگرایی در مفهوم عام خود به شرایطی اطلاق می‌شود که یک واحد سیاسی به‌صورت آگاهانه یا ناآگاهانه روابط خود را با پیرامون خود به حداقل ممکن می‌رساند. این واژه که اغلب در پژوهش‌های علوم سیاسی در آمریکا به‌کار گرفته می‌شود؛ اشاره به یک بینش یا درک سیاسی دارد که خواهان کناره‌گیری دولت از درگیر شدن در مسائلی است که بیرون از قاره آمریکا وجود دارد. بیانیه کلاسیک این بینش سیاسی برای اولین بار در سخنرانی واشینگتن، رئیس‌جمهور آمریکا، در هنگام کناره‌گیری او از مقام خود در سال ۱۷۷۶ میلادی مطرح شد. به این ترتیب سیاست خارجی دولت آمریکا از سال ۱۸۲۳ تا درگیر شدن این کشور در جنگ جهانی اول در سال ۱۹۱۷ و جنگ جهانی دوم بر پایه سیاست انزوگرایی استوار بود؛ که به دکتورین مونروئه موسوم است (رحیق اغصان، ۱۳۸۴: ۱۹۹-۱۹۸).

معمولاً یک کشور تازه تأسیس که به دنبال تحکیم استقلال خود است و یا کشوری که با انقلاب، تغییرات شگرفی در اصول سیاست خارجی خود ایجاد کرده، ممکن است به استراتژی انزوطلبی روی بیاورد. علت این امر آن است که بازیگری که تازه تأسیس شده یا انقلابی را تجربه کرده است، توان لازم برای فعالیت هم‌زمان در دو صحنه داخلی و خارجی را ندارد. استراتژی انزوطلبی معمولاً در قالب استراتژی بلنددامنه حفظ وضع موجود طرح و اجرا می‌شود (سیف‌زاده، ۱۳۸۲: ۲۷۹). مشخصات

استراتژی انزوگرایی سیاسی و نظامی عبارتند از: سطح نازل درگیری در بیشتر زمینه‌های موضوعی مطرح در نظام، قَلتِ مرادفات دیپلماتیک یا تجاری با دیگر جوامع و واحدهای سیاسی، تلاش برای بستن دروازه‌های کشور بر روی شکل‌های گوناگون نفوذ خارجی. سمت‌گیری انزوگرایی نیز مانند دیگر استراتژی‌ها با چهار متغیر ساختار نظام بین‌الملل، ایستارها، نیازهای داخلی، تهدیدات و ویژگی‌های جغرافیایی در ارتباط است. جهت‌گیری انزوگرایی در نظامی می‌تواند موفق گردد که در آن ساختار قدرت به‌نحو معقولی پراکنده باشد و تهدیدات نظامی، اقتصادی یا ایدئولوژیک وجود نداشته باشد و دولت‌های دیگر نیز اتحادشان با یکدیگر را مرتب تغییر دهند (هالستی، ۱۳۷۳: ۱۶۸). همچنین پیروی از سیاست انزوا وقتی امکان‌پذیر است که سیستم بین‌المللی دوقطبی نباشد و قدرت و نفوذ پراکنده باشد. در یک سیستم دوقطبی تأمین منافع، هدف‌ها و آرمان‌های ملی با این استراتژی امکان‌پذیر نیست (مقتدر، ۱۳۷۰: ۱۴۶).

به‌لحاظ نیازهای داخلی، واحدهایی که سمت‌گیری انزوگرایی را اختیار می‌کنند، معمولاً از نظر اقتصادی و اجتماعی خودکفا هستند و در بسیاری از موارد واحد سیاسی مزبور اجبار ندارد جهت برآوردن نیازهای اجتماعی و اقتصادی‌اش متکی به دیگران باشد. تأثیر تهدیدات بر استراتژی انزوگرایی بدین صورت است که استراتژی انزوگرا به‌عنوان وسیله‌ای برای مقابله با یک تهدید واقعی و بالقوه اتخاذ شده‌اند تا دولت را از راه عقب‌نشاندن در پس مرزها و برپایی استحکامات دفاعی به‌جای رویارویی با آن تهدید در میدان مبارزه، در مقابل حمله نظامی یا نفوذ فرهنگی محفوظ بدارد (هالستی، ۱۳۷۳: ۱۶۹-۱۶۸). همچنین خصوصیات پستی و بلندی و جغرافیایی یک کشور از راه‌های گوناگون به استراتژی انزوگرایی ارتباط می‌یابد. محاط شدن در میان کوهستان‌های مرتفع، دریا‌های پهناور یا دشت‌ها و بیابان‌های غیرمسکون از واحدهای سیاسی حراست خواهد کرد؛ به شرط آن‌که دیگر واحدهای واقع در نظام بین‌الملل وسایل لازم برای عبور آسان از این عوارض و موانع را نداشته باشند (هالستی، ۱۳۷۳: ۱۶۹).

۲-۲. استراتژی عدم‌تعهد

خودداری کشور یا کشورهایی به‌عنوان جانب‌داری از بلوک‌های قدرت در روابط بین‌الملل را می‌توان به‌عنوان استراتژی عدم‌تعهد در نظر گرفت (آشوری، ۱۳۷۸: ۲۳۰). اتخاذ این استراتژی عمدتاً از بدبینی تصمیم‌گیرندگان این کشورها نسبت به کلیه بازیگران اصلی نظام در صحنه بین‌الملل نشأت می‌گیرد (سیف‌زاده، ۱۳۸۲: ۲۷۸). تیتو رئیس‌جمهور یوگسلاوی و نهر، نخست‌وزیر هندوستان به‌عنوان رهبران جنبش عدم‌تعهد شناخته شده‌اند (پلینو و آلتون، ۱۳۷۷: ۱۰). البته استراتژی عدم‌تعهد با سیاست بی‌طرفی

متفاوت است. بی‌طرفی به وضعیت حقوقی یک دولت در مناقشات مسلحانه اشاره دارد. طبق قوانین بین‌المللی مربوط به بی‌طرفی، یک دولت غیرمتحارب در زمان جنگ دارای حقوق و تعهدات معینی است که به دولت‌های متحارب تعمیم نمی‌یابد (هالستی، ۱۳۷۳: ۱۷۲). بی‌طرفی معمولاً به‌موجب قرارداد و با تضمین کشورهای بزرگ صورت می‌گیرد، ولی سیاست عدم‌تعهد بدون تضمین یک کشور خارجی و بر اساس ابتکار رهبران سیاسی یک کشور شکل می‌گیرد (مقتدر، ۱۳۷۰: ۱۴۸).

متداول‌ترین شکل عدم‌تعهد در میان کشورهای دیده می‌شود که به ابتکار خود و بدون تضمین دولت‌های دیگر از قبول تعهدات نظامی در قبال مقاصد و هدف‌های قدرت‌های بزرگ امتناع می‌ورزند. این دولت‌ها در نظام بین‌الملل به‌عنوان یک کل، نقش مستقلی دارند، گرچه ممکن است در سطح منطقه‌ای از لحاظ نظامی، ایدئولوژیک و اقتصادی کاملاً متعهد باشند (هالستی، ۱۳۷۳: ۱۷۴). همچنین این استراتژی با نیازها و شرایط سیاسی داخلی کشورهای درحال توسعه تطبیق می‌کند. از آن‌جایی که این استراتژی با بدبینی نسبت به قدرت‌های اصلی نظام بین‌الملل همراه است؛ رهبران این کشورها می‌توانند از طریق تأکید بر خطر توطئه قدرت‌های بزرگ، به ایجاد وحدت ملی کمک کنند (هالستی، ۱۳۷۳: ۱۷۷)؛ به‌لحاظ شرایط اقتصادی داخلی این کشورها سعی می‌کنند وابستگی‌های خارجی خود را به حداقل برسانند (هالستی، ۱۳۷۳: ۱۷۶). از نظر ساختار نظام بین‌الملل، استراتژی عدم‌تعهد در سیستم‌هایی با پراکندگی قوای بیشتر امکان‌پذیر است؛ زیرا در سیستم‌های دوقطبی کشورهای ضعیف تحت فشار رهبران دو بلوک قرار می‌گیرند که جانب آن‌ها را بگیرند. عامل دیگر در توفیق سیاست مزبور، دور بودن از صحنه اصلی برخورد و کشاکش است (مقتدر، ۱۳۷۰: ۱۴۸). دست‌اندرکاران عدم‌تعهد عقیده دارند که دولت‌ها با ورود به اتحادها، آزادی عمل‌شان را از دست می‌دهند. زیرا اتحاد، در موارد بسیاری دولت‌های ضعیف را وادار می‌سازد منافع‌شان را به‌خاطر نیازهای قدرت‌های بزرگ فدا کنند؛ و به‌علاوه هنگامی که تشنج به‌صورت بحران در می‌آید، معمولاً شرکای کوچک این اتحاد قادر نیستند بر پیامدهای این بحران اثر بگذارند (هالستی، ۱۳۷۳: ۱۷۶).

کشورهای غیرمتعهد به‌عنوان دولت‌های مستقل مجال مانور دارند و ممکن است بتوانند بر رفتار و اعمال دو بلوک قدرت اثر بگذارند. همچنین سعی می‌کنند با اتخاذ این استراتژی توانایی ملی خود را برای دفاع از استقلال و تمامیت ارضی کشورشان به دیگر بازیگران نشان دهند. به‌صورت کلی کشورهایی که استراتژی عدم‌تعهد را انتخاب می‌کنند دارای ویژگی‌هایی می‌باشند: در اتحادهای نظامی دوجانبه با ابرقدرت‌ها وارد نمی‌شوند؛ نقشی مستقل در نظام بین‌الملل دارند؛ سعی می‌کنند وابستگی‌های خارجی

خود را به حداقل برسانند؛ در اختلاف‌های اصلی بلوک‌های قدرت درگیر نمی‌شوند؛ پذیرای تعهدات نظامی یا پیوندهای نظامی در قبال اهداف قدرت‌های بزرگ نیستند و از طریق تأکید بر خطر قدرت‌های بزرگ به ایجاد وحدت داخلی کمک می‌کنند.

۲-۳. استراتژی اتحاد و ایجاد ائتلاف

نوعی از جهت‌گیری دولت یا گروهی از دولت‌هاست که از طریق ائتلاف تعهداتی را در قبال یکدیگر می‌پذیرند (علی‌بابایی، ۱۳۷۷: ۸). این استراتژی برخلاف استراتژی عدم‌تعهد در واقع، ناشی از این برداشت است که منافع ملی از سوی یکی از بازیگران بین‌المللی، در خطر قرار دارد، بنابراین تصمیم‌گیرندگان لازم می‌بینند در مقابل این خطر با بازیگران دیگر پیمان همکاری ببندند (سیف‌زاده، ۱۳۸۲: ۲۷۹-۲۷۸). در واقع فرض‌شان این است که با تجهیز توانایی‌های خود نمی‌توانند به هدف‌هایشان برسند، از منافع‌شان دفاع کنند، یا جلو تهدیدات تصویری را بگیرند. از این‌رو به دولت‌های دیگری که با مسائل خارجی مشابه رویارو هستند، یا در همان هدف سهیم هستند، تکیه کرده و به آن‌ها تعهداتی می‌سپارند (هالستی، ۱۳۷۳: ۱۸۰). همچنین در این استراتژی نیز مانند دو استراتژی قبلی باید تأثیر متغیرهایی چون نیازهای داخلی، وضعیت جغرافیایی و میزان تهدیدات و فشارهای بین‌المللی و بالاخره ساختار و عملکرد نظام بین‌المللی را در نظر گرفت.

در میان ساختارهای نظام بین‌المللی به‌استثنای نوع سلسله‌مراتبی، عموماً استراتژی اتحاد دیده می‌شود. در نظام مبتنی بر پراکندگی قدرت، اتحادها مرتباً ظاهر می‌گردند. اما از آن‌جا که هدف‌های دولت بیش‌تر از نیازها و منافع ویژه نشأت می‌گیرد، تا آرمان‌های ایدئولوژیک، این اتحادها جنبه موقتی پیدا می‌کنند. در نظام دوقطبی و نظام مبتنی بر پراکندگی قدرت، اتحادها گرایش به پیوند تنگاتنگ با ساختارهایی دارند که در آن‌ها اعضای کوچک‌تر اتحاد، به سادگی از بلوک جدا نمی‌شوند (هالستی، ۱۳۷۳: ۱۸۰). اتحاد با نیازهای داخلی پیوندی نزدیک دارند. دولت‌هایی که با مشکلات اقتصادی مشترک روبه‌رو هستند احتمالاً گروه‌های تجاری یا ائتلاف‌های دیپلماتیک به‌وجود می‌آورند که همبستگی در خصوص موضوعات تجاری را حفظ کند (هالستی، ۱۳۷۳: ۱۸۱). تصورات مشترک از خطر و ایستارهای رایج در مورد ناامنی، احتمالاً متداول‌ترین منشأ تشکیل اتحادهای نظامی هستند. در حالی که همانندی و اشتراک منافع اقتصادی زیربنای ائتلافات اقتصادی به‌شمار می‌روند. عوامل دیگری از جمله وابستگی ایدئولوژیک و ارزش‌های اقتصادی مشترک نیز از شرایط لازم برای ایجاد اتحادها به‌شمار می‌روند ولی به‌خودی‌خود برای تشکیل یا حفظ اتحادهای مزبور کفایت نمی‌کند (هالستی،

۱۳۷۳: ۱۸۳-۱۸۲). خصوصیات جغرافیایی نیز اغلب در تشکیل اتحادها دخالت دارند، گرچه همچون دیگر شرایط نزدیکی جغرافیایی و ویژگی‌های پستی و بلندی یک سرزمین هیچ‌کدام به تنهایی برای تشکیل و حفظ اتحادها کفایت نمی‌کنند. بنابراین تنها نزدیکی دو کشور از نظر جغرافیایی نمی‌تواند عاملی برای اتحاد باشد؛ چنانچه معاهده عدم تجاوز و توافق نظامی میان سال‌های ۱۸۱۵ و ۱۹۶۵ نشان می‌دهد که دوری متحدان با تشکیل یا ادامه اتحاد رابطه‌ای ندارند. با توجه به مواردی که بر ایجاد اتحادها تأثیرگذار هستند، می‌توان به صورت خلاصه آن‌ها را چنین ذکر کرد: تصور مشترک از خطر و داشتن هدف مشترک؛ تأمین نیازهای داخلی؛ خصوصیات جغرافیایی؛ وابستگی ایدئولوژیک و ارزش‌های اقتصادی.

باتوجه به تمامی داده‌های تمهیدی که در بخش‌های پیشین مقاله آورده شد و همچنین با توجه به این مفروض اساسی که ماهیت ارزشی و اسلامی حاکم بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تعیین‌کننده رفتار آن می‌باشد؛ در این بخش از مقاله کوشش شده است ضمن آوردن شواهدی از لابلای بیانات و مکتوبات مقام رهبری جمهوری اسلامی ایران، بسامد داده‌های مربوط به سمت‌گیری عدم‌تعهد و اتحاد و ایجاد ائتلاف، به‌عنوان الگویی از یک سیاست خارجی اسلامی، به صورت جدول و نمودار نشان داده شود تا فضا برای تفسیر داده‌ها آماده گردد.

۳. نمونه‌ای از بیانات و مکتوبات آیت‌الله خامنه‌ای نشان‌دهنده سمت‌گیری عدم‌تعهد

"استکبار جهانی نسبت به اسلام و انقلاب، از اعماق وجود کینه دارد و تا ملتی از اصول و دین خودش دست برندارد و تسلیم نشود، آن‌ها راضی نخواهند شد. خداوند متعال به مسلمان‌ها فرمود: "ولن ترضی عنک الیهود والالتصاری حتی تتبع ملتهم". بنابراین، کینه استکبار به‌خاطر اعتقادات و استقلال‌خواهی و شعار "نه شرقی و نه غربی" و پایبندی عمیق مردم ما به اسلام است" (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۶۸/۰۴/۱۵). "سیاست ما تابع هیچ رکنی نه شرق و نه غرب نخواهد شد و این جزو اصول و مبانی ماست و هیچ‌شکی هم در این نیست و تغییرپذیر هم نیست. این، اصلاً سیاست نیست؛ بلکه مبنا و پایه نظام است و منافاتی هم با ارتباط ندارد. آقایان در این جهت حرکت نکنید و ارتباطات را برمبنای تفکر و اعتقاد و راه اسلامی، مستحکم نمایید" (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۶۸/۰۵/۳۱). "علائق تاریخی و فرهنگی میان شما و ما به دهه‌های دور باز می‌گردد. سیاست‌های مستقل، اهداف غیرمتعهدانه، عدم وابستگی به شرق و غرب، هم‌سویی مواضع و همکاری‌های دو دولت در مجامع بین‌المللی و پشتیبانی از نهضت‌های

آزادی‌بخش جهان و به‌ویژه در منطقه جنوب آفریقا، ما را قادر ساخته که فاصله جغرافیایی موجود بین جمهوری متحده تانزانیا و جمهوری اسلامی ایران را پر کرده" (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۶۸/۰۳/۱۱).

جمهوری اسلامی ایران قصد باج دادن به قدرت‌های بزرگ را ندارد و ثابت هم کرده است که به هیچ قدرتی باج نخواهد داد و مرعوب هیچ قدرتی نخواهد شد. بنابراین، هیچ‌گاه برای جلب محبت یا همکاری قدرت‌های زورگوی عالم از مواضع به حق خودمان تنزل نخواهیم کرد. ما این اراده را در طول ده سال گذشته نشان داده‌ایم و امام فقید عزیز بزرگ ما که مظهر تبلور نظام جمهوری اسلامی و مظهر صلابت و مقاومت در مقابل زورگویی‌ها بود، قاطعانه در برابر باج‌خواهی‌های دشمن می‌ایستاد و مرعوب آن‌ها نمی‌شد" (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۶۸/۰۳/۰۳). "از هیچ‌یک از آرمان‌هایی که به‌وسیله امام (رضوان‌الله‌تعالی‌علیه) ترسیم شده، چشم‌پوشی نخواهیم کرد؛ چه در زمینه مسائل داخلی، چه در زمینه مسائل خارجی، یعنی مقابله با استکبار، خط جدایی از ابرقدرت‌ها و قدرت‌های دخالت‌کننده؛ آن چیزی که با عنوان افتخارآمیز "نه شرقی، نه غربی" در آن روزی که دنیا واقعاً بلوک‌بندی شرق و غرب داشت معرفی می‌شد" (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۶۹/۰۵/۰۱). "خاک بر سر آن ملت و دولتی که زیر بار این‌طور تحمیل‌های آمریکا برود. توقعات آمریکا نسبت به کسانی که در آن‌ها اندکی ضعف احساس می‌کند، این‌گونه است. صریحاً می‌گویند که باید در سیاست‌هایتان - سیاست‌های جنگ اعراب و اسرائیل - تجدیدنظر کنید! چه ساده‌لوحی است که کسانی بگویند برویم پشت میز مذاکره با یک دستگاه متکبر و بی‌اعتقاد به اصول انسانی و حقوق بین‌الملل بنشینیم. آمریکایی‌ها، به اصول و حقوق بین‌الملل، اعتقادی ندارند" (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۶۹/۰۲/۱۲).

"هر کسبه همان اندازه‌ای که به قدرت‌های بزرگ متکی است، به همان اندازه، وابستگی هم دارد. همه هم متکی‌اند؛ حتی کشورهای اروپایی. همین کشورهای اروپایی که امروز در جهت ابرقدرتی پیش می‌روند، مجموع و تک‌تکشان، وابسته به قدرت برتر آمریکایند و بدون اجازه آمریکا، کارهای اساسی و حساس انجام نمی‌گیرد" (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۶۹/۱۰/۲۲). "امروز اگر کارگر ایرانی با همه وجود، با وجدان کار، با احساس مسئولیت، با ابتکار و خلاقیت، و با احساس این‌که ثوابی را به‌جا می‌آورد، کار بکند که می‌کند و نتیجه آن را در اختیار ملت خود قرار بدهد، ما به آن هدفی که از اول اعلام کردیم یعنی هدف "نه شرقی و نه غربی"، که معنایش عدم وابستگی به قدرت‌هاست خواهیم رسید؛ و آلاً این‌طور نخواهد شد" (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۰/۰۲/۱۱). "نگذارید همین دشمنان خبیثی که از آن‌ها اسم آوردیم، بتوانند یا طمع کنند که بین شما ملت اختلاف ایجاد کنند. امید است به فضل الهی، وحدت و

یکپارچگی و ایمان و اقتدار شما، دنیای اسلام را هم بیدار کند" (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۰/۰۹/۱۳). "وحدت را حفظ کنید. دشمن، بسیار خواستار آن است که منادی وحدت را در خانه خودش دچار اختلاف و تفرق کند. همه این را همیشه به یاد داشته باشند. گروه‌های مختلف، مذاهب مختلف، شهرهای مختلف و آدم‌های مختلف این را بدانند. دشمنان اسلام و جمهوری اسلامی، خیلی دوست می‌دارند بگویند "این هم جمهوری اسلامی که همه‌اش دم از وحدت می‌زند! ببینید! در خانه خودش دچار اختلاف و تفرقه است!" دلشان می‌خواهد چنین وضعی را پیش بیاورند. به فضل پروردگار، تا امروز نتوانسته‌اند و به هدایت و کمک الهی و بیداری و هوشیاری شما ملت عزیز، بعد از این هم نخواهند توانست" (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۳/۰۱/۳۱).

"امروز ملت ما عزیز است، سربلند است، مستقل است و تحت نفوذ هیچ سیاستی نیست. نیروهای ملت، آماده برای کار و تلاش کردن و برنامه‌ریزی برای پیشرفت کشورند. این‌ها برای یک ملت ارزش است. وقتی که ابرقدرت‌ها بر یک کشور و بر یک ملت مسلط باشند، این امکانات و این فرصت‌ها را از آن ملت می‌گیرند؛ همچنان که در طول سال‌های سیاه حکومت طواغیت از ما گرفته بودند" (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۱/۰۳/۳۰).

"امروز همه مردم دنیا و همه دولت‌ها و شخصیت‌های سیاسی، شاهدند که نظام مقدس جمهوری اسلامی، در مقابل خواسته‌ها و تحمیل‌ها و تقاضاهای آمریکا "نه" می‌گوید و جنایت‌ها و فاجعه‌آفرینی‌های آمریکا و استکبار و زائده‌های او از جمله رژیم صهیونیستی را امضا نمی‌کند. این، موضع شجاعانه و برجسته‌ای است و کار کوچکی هم نیست. کسانی که در دنیا مسائل را می‌فهمند از جمله رؤسای برخی از کشورها و مسئولان بزرگ سیاسی و شخصیت‌های مصلح در مقابل این موضع، سر تسلیم فرود می‌آورند" (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۴/۰۹/۰۸). "ایران اسلامی تسلیم زور و تهدید و مرعوب چهره عبوس استکبار نمی‌شود. ملت و دولت ایران مواضع شجاعانه و مستقل و خردمندانه خود را که درس ماندگار امام‌خمینی عظیم است، قدر می‌دانند و از آن دفاع می‌کنند" (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۰/۱۱/۳۰). "انقلاب همه وابستگی‌های رسمی کشور را نسبت به دستگاه‌های بیرون از این مرز قطع کرد. این که می‌گوییم وابستگی‌ها را قطع کرد، می‌دانیم که وابستگی اقتصادی یا وابستگی فرهنگی به این آسانی قطع نمی‌شود. اما نمای بیرونی همه این وابستگی‌ها، وابستگی سیاسی است و با انقلاب اسلامی، حرف‌شنوی و تملق‌گفتن و رعایت مصالح مراکز قدرت جهانی را کردن، به کلی از بین رفت" (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۱/۱۱/۱۵).

"مسئله این است که امروز از میان کشوری که سال‌های متمادی سیاست‌هایش در بست تسلیم سیاست‌های آمریکا بوده، ملتی سر بلند کرده است که به همه

خواسته‌های طمع‌ورزانه آمریکا و دیگر متکبران عالم "نه" گفته و با قدرت و شجاعت و ایستادگی و مظلومیت و شعارهای گویای خود، دنیای اسلام را هم به این حقیقت، مؤمن و معتقد کرده است. توقع آن‌ها از ایران اسلامی، تبعیت از سیاست‌های آمریکا و تسلیم در مقابل خواست متکبران عالم است؛ یعنی یک استبداد بین‌المللی " (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۳/۱۱/۱۹). این‌ها همه قدرت‌مداران و مستکبران عالم به خصوص شیطان بزرگ، آمریکا بدانند؛ ملت ایران به هیچ قدرتی باج نخواهد داد. مسئولان کشور حق ندارند از حقوق ملت صرف‌نظر کنند. ما چنین حقی نداریم. جایگاه ما، جایگاه دفاع از حقوق ملت است؛ بنابراین از حقوق سیاسی و اقتصادی‌شان باید دفاع کنیم؛ جایگاه شایسته آن‌ها را بایستی در دنیای امروز و در روابط بین‌الملل حفظ کنیم. بحمدالله نظام جمهوری اسلامی نشان داده است که این کارآیی را دارد. ملت ما امروز، هم در صحنه بین‌المللی و در صحنه جهانی، و هم در منطقه جایگاه ممتاز و شایسته‌ای دارد و این را روزبه‌روز بیشتر خواهد کرد" (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۴/۰۵/۱۲).

"شعار "نه شرقی، نه غربی"، شعار رد و نفی استکبار و مستکبران، شعار استقلال ملت ایران، شعار اعتماد به این جوان‌های مؤمن در هر نقطه‌ای از کشور، شعارهای زنده و جاوید ماست؛ هر کدام از دل پر حکمتی برخاسته است که با ارتباط با عالم غیب، با ارتباط با خدا، با بندگی خدا، آن مرد بزرگ، آن پیر فرزانه، آن حکیم دلاور آن‌ها را به ما ملت ایران آموخت" (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۷/۰۲/۱۲).

۴. تفسیر جدول و نمودار شماره (۱) مربوط به سمت‌گیری عدم‌تعهد

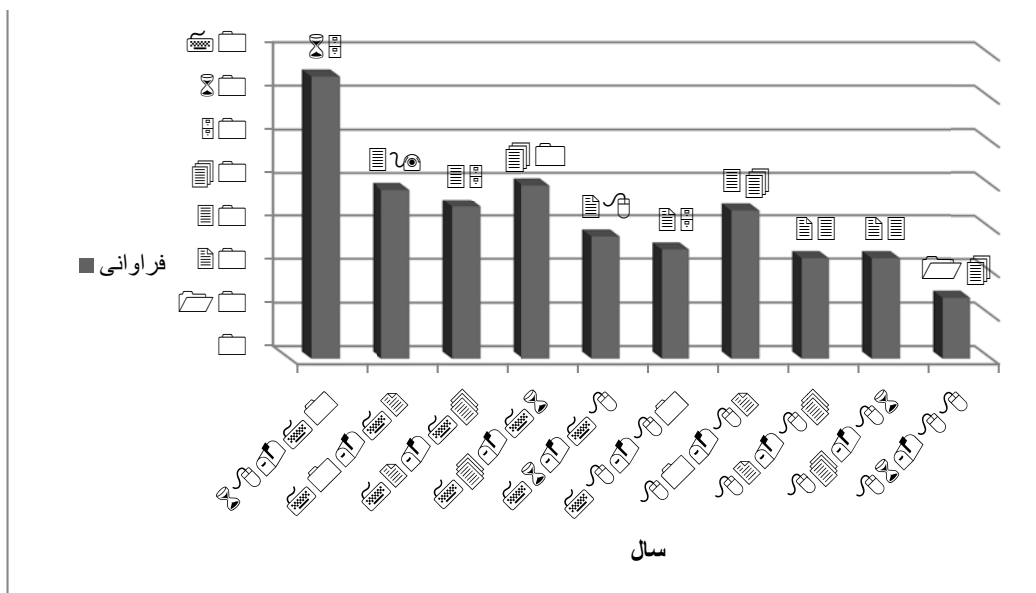
جمهوری اسلامی بر اساس ماهیت، هویت، اصول، منافع، اهداف و تصور و تلقی خود از نظام بین‌الملل، راهبرد عدم‌تعهد را برای سیاست خارجی خود برگزید. از این‌رو، اصل ۱۵۲ قانون اساسی راهبرد و جهت‌گیری کلی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران را عدم‌تعهد تعریف و تعیین می‌کند: "سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران براساس... عدم‌تعهد در برابر قدرت‌های سلطه‌گر... استوار است". بنابراین بلافاصله پس از پیروزی انقلاب اسلامی تعهدات نظامی ایران به ابرقدرت‌ها را لغو کرد (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۸: ۱۷۱).

پس از واکاوی سمت‌گیری عدم‌تعهد در قسمت‌های پیشین و رجوع به متن بیانات و مکتوبات آیت‌الله‌خامنه‌ای (۱۳۶۸-۱۳۸۸) همچنان‌که در نمودار و جدول شماره (۱) مشاهده می‌شود، برخی از شاخص‌های سمت‌گیری عدم‌تعهد در بیانات و مکتوبات آیت‌الله‌خامنه‌ای وجود دارد.

جدول شماره ۱: سمت‌گیری عدم تعهد

سال	فراوانی	فراوانی نسبی
۶۸-۷۰	۶۵	۲۰٪
۷۰-۷۲	۳۹	۱۲٪
۷۲-۷۴	۳۵	۱۱٪
۷۴-۷۶	۴۰	۱۲٪
۷۶-۷۸	۲۸	۹٪
۷۸-۸۰	۲۵	۸٪
۸۰-۸۲	۳۴	۱۰٪
۸۲-۸۴	۲۳	۷٪
۸۴-۸۶	۲۳	۷٪
۸۶-۸۸	۱۴	۴٪
مجموع فراوانی	۳۲۶	۱۰۰٪
میانگین	۳۳	

نمودار شماره ۱. سمت‌گیری عدم تعهد در بیانات و مکتوبات آیت‌الله خامنه‌ای (۱۳۶۸-۱۳۸۸)



همچنان که این شاخص‌ها را در نمونه‌ای از بسامدهای شمارش‌شده در بالا نیز می‌توان مشاهده کرد. با این وجود تحلیل مضمون این بیانات و مکتوبات، نگارندگان این نوشتار را به پرسامد بودن بسیاری از مضامین هم‌پیوند با مقولات سمت‌گیری عدم‌تعهد رهنمون ساخت. بنابراین می‌توان سمت‌گیری عدم‌تعهد از دیدگاه آیت‌الله‌خامنه‌ای را با چهار ویژگی نشان داد. سیاست نه شرقی و نه غربی؛ به حداقل رساندن وابستگی‌های خارجی؛ داشتن نقشی مستقل در نظام بین‌الملل؛ کمک به ایجاد وحدت از طریق تأکید بر خطر توطئه قدرت‌های بزرگ. تکرار شاخص "سیاست نه شرقی و نه غربی" در این بیانات و مکتوبات با مجموع فراوانی ۲۱، شاخص "به حداقل رساندن وابستگی‌های خارجی" با مجموع فراوانی ۱۰۱ و همچنین شاخص‌های "کمک به ایجاد وحدت از طریق تأکید بر خطر توطئه قدرت‌های بزرگ" و "داشتن نقشی مستقل در نظام بین‌الملل" به ترتیب با مجموع فراوانی ۱۱۱ و ۹۳ مشخص شده است. مجموع این فراوانی‌ها ۳۲۶ با میانگین ۳۳ درصد نشان از اهمیت این استراتژی در سیاست خارجی دارد. نحوه تقسیم فراوانی این شاخص‌ها را در نمودار زیر می‌توان مشاهده کرد.

جمهوری اسلامی ایران در شرایطی استقرار یافت که ساختار نظام بین‌الملل دوقطبی بود. رهبران انقلابی نگاهی به شدت انتقادی نسبت به این نظام پیدا کردند؛ که تبلور عینی آن اصل "نه شرقی و نه غربی" در سیاست خارجی است. "نه شرقی و نه غربی" به این معناست که جمهوری اسلامی ایران در برقراری روابط بین‌الملل و حضور در صحنه بین‌الملل به‌عنوان یک بازیگر، نه خط‌مشی وابستگی به ابرقدرت شرق را پیش خواهد گرفت و نه سیاست تعهد و وابستگی به ابرقدرت غرب را دنبال می‌کند. به عبارت روشن‌تر، مشی جمهوری اسلامی در ارتباط با دیگر بازیگران، عدم پذیرش سلطه است. بنابراین شعار "نه شرقی و نه غربی" جمهوری اسلامی ایران برآیند ساختار دوقطبی نظام بین‌الملل بود. شاخص "نه شرقی و نه غربی" که در واقع سیاستی است در مقابل برخوردهای میان بلوک شرق و غرب، در بیانات آیت‌الله‌خامنه‌ای به معنای "عدم وابستگی به قدرت‌ها" و "نفی استکبار و مستکبرین" است. بنابراین، با فروپاشی شوروی به‌عنوان یکی از قطب‌های قدرت، ساختار نظام بین‌الملل، با سرگردگی آمریکا ساختاری تک‌قطبی شد. در این ساختار تک‌قطبی استراتژی عدم‌تعهد، با توجه به شاخص‌های فوق، می‌تواند تأمین‌کننده منافع باشد.

شاخص به حداقل رساندن وابستگی‌های خارجی در واقع حرکت در مسیر خودکفایی یک کشور است و از طرفی در پیوند دوسویه با شاخص "داشتن نقشی مستقل در نظام بین‌الملل" قرار دارد. زیرا کشوری که دارای سمت‌گیری عدم‌تعهد است در موضع‌گیری‌های خود در سطوح بین‌المللی مستقل عمل می‌کند و این موضع مستقل

برای یک بازیگر زمانی هزینه کم‌تری را دربرخواهد داشت که وابستگی‌های خارجی خود را به حداقل رسانده باشد؛ تا در شرایط فشار از سوی قدرت‌های نظام، توان مقابله و مقاومت را داشته باشد. همچنان که در نمودار شماره (۲) نشان داده شده است، دو شاخص "داشتن نقشی مستقل در نظام بین‌الملل" و "به حداقل رساندن وابستگی‌های خارجی" از بسامد بالایی برخوردار است.

نمودار شماره ۲. شاخص‌های سمت‌گیری عدم تعهد



بر این اساس، از نظر آیت‌الله خامنه‌ای، کشور باید با حرکت در مسیر خودکفایی و به حداقل رساندن وابستگی‌های خارجی در موضع‌گیری‌های خود در نظام بین‌الملل، مستقل عمل کرده و از سیاست‌های همسو با خواسته‌های قدرت‌های نظام بین‌الملل، دوری کند. یکی دیگر از شاخص‌های سمت‌گیری عدم تعهد در بیانات ایشان که بسامد بالایی را به خود اختصاص داده است، شاخص "کمک به ایجاد وحدت از طریق تأکید بر خطر توطئه قدرت‌های بزرگ" می‌باشد. در واقع می‌توان گفت این شاخص یکی از ویژگی‌های سمت‌گیری عدم تعهد می‌باشد به طوری که نوعی ناباوری و بی‌اعتمادی به کلیه مناسباتی که قدرت‌های بزرگ در جهان در حال مدیریت آن هستند، وجود دارد (صفوی، ۱۳۸۷: ۸۵). این بی‌اعتمادی و ناباوری که در حافظه تاریخی ایرانیان با دسیسه‌های روس، انگلیس و آمریکا شکل گرفته است، با تأکید بر خطر توطئه

قدرت‌های بزرگ می‌تواند در جهت کمک به ایجاد وحدت داخلی مؤثر واقع شود. بنابراین استراتژی عدم تعهد، با یک نوع بدبینی نسبت به قدرت‌های بزرگ از جمله آمریکا همراه است. بدبینی نسبت به قدرت‌های بزرگ، در یکی از نقش‌های ملی مهم درسیاست خارجی یعنی مبارزه با سلطه بروز می‌یابد.

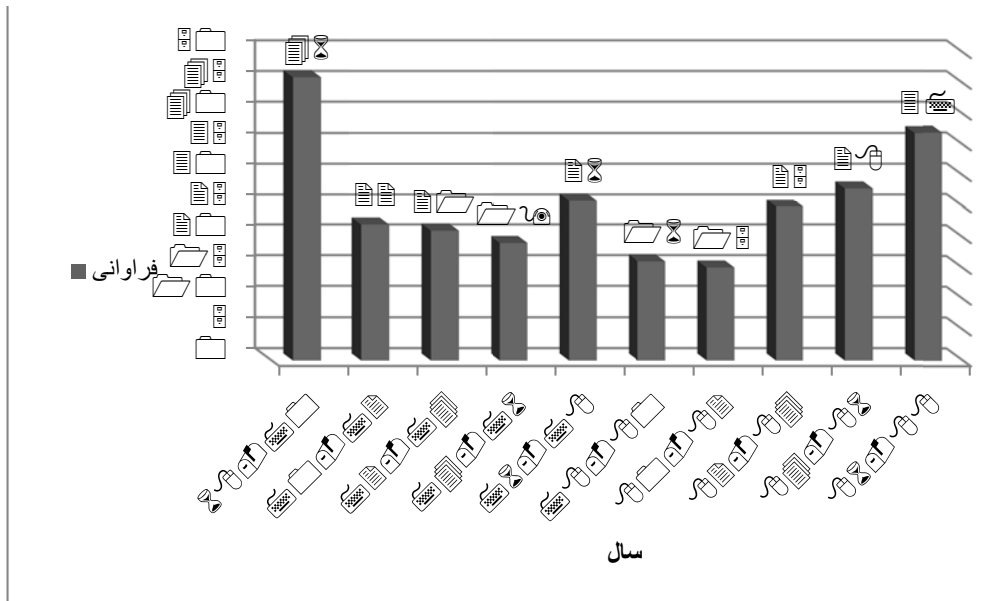
۵. سمت‌گیری اتحاد و ائتلاف

یکی دیگر از سمت‌گیری‌هایی که در بیانات و مکتوبات آیت‌الله‌خامنه‌ای با فراوانی بالایی بر آن تأکید شده است، اتحاد و ائتلاف کشورهای اسلامی می‌باشد. در این قسمت از پژوهش با شمارش داده‌های به دست‌آمده از گفتارها و نوشتارهای آیت‌الله‌خامنه‌ای، بسامدهای این سمت‌گیری به صورت جدول و نمودار مشخص شده است. از مجموع فراوانی ۲۵۵ داده به‌دست‌آمده به تعدادی از آن‌ها به‌عنوان نمونه اشاره می‌کنیم.

جدول شماره ۲. سمت‌گیری اتحاد و ایجاد ائتلاف

سال	فراوانی	فراوانی نسبی
۶۸-۷۰	۴۶	۱۸٪
۷۰-۷۲	۲۲	۹٪
۷۲-۷۴	۲۱	۸٪
۷۴-۷۶	۱۹	۷٪
۷۶-۷۸	۲۶	۱۰٪
۷۸-۸۰	۱۶	۶٪
۸۰-۸۲	۱۵	۶٪
۸۲-۸۴	۲۵	۱۰٪
۸۴-۸۶	۲۸	۱۱٪
۸۶-۸۸	۳۷	۱۵٪
مجموع فراوانی	۲۵۵	۱۰۰٪
میانگین	۲۶	

نمودار شماره ۳. سمت‌گیری اتحاد و ائتلاف در بیات و مکتوبات آیت‌الله خامنه‌ای (۱۳۶۸-۱۳۸۸)



۶. نمونه‌ای از بیانات و مکتوبات آیت‌الله خامنه‌ای در پیوند با سمت‌گیری اتحاد و ائتلاف

"حجاج بیت‌الله‌الحرام و برادران و خواهرانی که امسال از سراسر عالم در خانه خدا گرد می‌آیند، بکوشند تا با طرح مصائب و مشکلات مسلمین و تلاش برای ایجاد وحدت و همدلی مسلمانان که شرط اصلی نجات مسلمین از چنگال امپراتوری زر و زور و سلطه جهانی است و نشر معارف اساسی اسلام و تبادل نظر در وظایف بزرگ مسلمین در دوران معاصر، حج را ابراهیمی و محمدی (صلی‌الله علیه‌واله) سازند" (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۶۹/۰۴/۰۷). "ما به‌عنوان عائله تشیع، باید با همه وجود احساس و اعلام کنیم که معتقد به وحدت جهان اسلام و وحدت پیروان "لااله الاالله و محمد رسول الله" هستیم. ما امروز در دنیا باید مایه وحدت بشویم؛ همچنان که همه ائمه بزرگوار ما (سلام‌الله‌علیهم) همیشه عامل جمع و وحدت بوده‌اند" (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۶۹/۰۳/۰۴). "این، یک نمونه از ملتی است که اعتقاد به وحدت اسلامی، به برادری اسلامی و به خویشاوندی اسلامی دارد. حالا اگر همه ملت‌های مسلمان با هم چنین باشند، ببینید چه چیزی در دنیا پیش می‌آید! این، وحدت اسلامی است. وحدت بالاتر،

بعد از وحدت میان آحاد یک کشور و یک ملت: وحدت امت اسلامی است" (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۱/۰۶/۲۴).

"اگر مسلمانان متحد بودند، فلسطین این‌طور نمی‌شد. بوسنی آن‌طور نمی‌شد. کشمیر آن‌طور نمی‌شد. تاجیکستان این‌طور نمی‌شد. مسلمانان اروپا، آن‌طور در محنت زندگی نمی‌کردند. مسلمانان در آمریکا، آن‌طور مورد زورگویی قرار نمی‌گرفتند. علت این است که ما با هم اختلاف داریم" (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۲/۰۶/۱۴). "امروز هم از لحاظ سیاسی، حداکثر تلاش را می‌کنند؛ لذا استنتاج من، فهم و برداشت من و توصیه من به‌عنوان یک خدمتگزار، به‌عنوان آدمی که توطئه دشمن را می‌بیند و حس می‌کند، به برادران مسلمان این است که امروز اتحاد بین مسلمین، برای مسلمین یک ضرورت حیاتی است" (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۴/۰۵/۲۴). "توصیه ما به ملت‌های دیگر هم همین است. ما می‌خواهیم که در این اختلافات و دعوها و نزاع‌هایی که بین برادران پیدا می‌شود، مردم مسلمان، دست استعمار را ببینند. شما ملاحظه کنید؛ مسلمانان از نبودن وحدت، چه زیان بزرگی می‌برند! الان، شاید بیش از دو هفته است که در سرزمین فلسطین، فاجعه‌آفرینی مجدد رژیم صهیونیستی غاصب، ادامه پیدا کرده است و مردم مظلوم فلسطین، در خانه خودشان، دچار سرکوب و وحشی‌گری غاصبینی هستند که به پشتیبانی آمریکا، هر کار می‌خواهند با آن مردم می‌کنند" (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۵/۰۷/۱۸).

"در درجه اول، مسئله وحدت و اتحاد مسلمین است. این قضیه اتحاد مسلمین را همه فرق اسلامی - چه شیعه و چه سنی، چه مذاهب مختلف اهل سنت و چه مذاهب شیعه باید جدی بگیرند. امروز مسلمانان وحدت اسلامی را جدی بگیرند" (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۶/۰۵/۰۱). "ملت‌های دیگر هم در داخله امت بزرگ اسلامی باید دنبال یک چنین اتحاد و هماهنگی و همدستی‌ای باشند. عناصر قدرت در اسلام فراوان است؛ فضل الهی هم هست و بحمدالله نشانه‌ها و مژده‌های رحمت الهی هم به وفور دیده می‌شود" (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۸/۰۸/۱۵). "در سطح جهان اسلام نیز همین‌طور است. دولت‌ها باید به هم نزدیک شوند؛ باید احساس قدرت اسلامی به‌وجود آید. اگر استکبار بتواند تک‌تک دولت‌ها و حکومت‌های اسلامی را با مسائل جزئی و با وعده‌های فریب‌گر، از بدنه مجموعه دنیای اسلام جدا کند، وضع همین چیزی می‌شود که ملاحظه می‌کنید" (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۰/۰۹/۲۵). "شعار اسلام ناب و اسلامی که نظام اسلامی بر پایه آن به‌وجود آمد، این است که مسلمانان با وجود اختلاف‌شان در عقاید و در مبانی مذهبی خود، باید اتحاد کلمه داشته باشند؛ روی موارد اتفاقی تکیه کنند و از جریحه‌دار کردن احساسات یکدیگر خودداری نمایند. این فرهنگ دینی با این معنا و با

این نگاه که در آن، آزادی و عدالت و مردم‌سالاری و بسط وحدت در دنیای اسلام و میان امت اسلامی وجود دارد، یکی از میدان‌های مجاهدت ماست که باید در آن تلاش کنیم" (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۲/۰۶/۱۹).

"امروز دنیای اسلام بیش از همیشه، به اتحاد و یکدلی و تمسک به قرآن نیازمند است. از سویی، ظرفیت‌های جهان اسلام برای توسعه و عزت و اقتدار، امروز بیش از گذشته آشکار شده و بازیابی مجد و عظمت امت اسلامی، امروز در سراسر جهان اسلام، انگیزه و خواست جوانان و فرزندان شده است. شعارهای منافقانه مستکبران، رنگ باخته و نیات پلید آنان برای امت اسلامی، به تدریج، آشکار شده است" (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۳/۱۰/۲۹). "البته این بیداری را باید حفظ کرد؛ برادران شیعه و سنی را باید به هم نزدیک کرد؛ دل‌های امت اسلامی را باید به هم نزدیک کرد. هدف دشمن را که ایجاد فتنه طایفه‌ای و فتنه و اختلافات مذهبی است چه در عراق و چه در بقیه نقاط عالم باید برای افکار عمومی مسلمان‌ها بیان و افشا کرد" (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۴/۱۲/۰۸). "اتحاد بین مسلمان‌ها هم بدون مجاهدت حاصل نخواهد شد. وظیفه ماست که برای اتحاد دنیای اسلام مجاهدت کنیم. این اتحاد می‌تواند بسیاری از گره‌ها را باز کند؛ می‌تواند جوامع اسلامی و ملت‌های مسلمان را عزیز کند. ببینید وضع کشورهای اسلامی چگونه است. ببینید وضع مسلمانان که امروز یک چهارم نفوس بشری را در دنیا تشکیل می‌دهند، چگونه است؛ تأثیرشان در سیاست‌های عالم، حتی در مسائل درون خودشان، چگونه به مراتب ضعیف‌تر و کمتر است از تأثیر قدرت‌های بیگانه و قدرت‌های دارای سوءنیت" (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۷/۱۲/۲۵).

۷. تفسیر جدول و نمودار مربوط به سمت‌گیری اتحاد و ایجاد ائتلاف

اصل یازدهم قانون اساسی تصریح می‌کند به حکم آیه "إِنَّ هَذِهِ أُمَّةٌ وَاحِدَةٌ وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُون" همه مسلمانان یک امت‌اند و دولت جمهوری اسلامی ایران موظف است سیاست کلی خود را بر پایه اتحاد و ائتلاف ملل اسلامی قرار دهد و کوشش پی‌گیر به عمل آورد تا وحدت سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جهان اسلام را تحقق بخشد. استراتژی وحدت و ائتلافی که آیت‌الله‌خامنه‌ای در سیاست خارجی بر آن تأکید می‌کنند، بر دو پایه استوار است؛ یکی تصور از خطر مشترکی است که توسط قدرت‌های بزرگ نظام بین‌الملل جهان اسلام را تهدید می‌کند. فراوانی حاصل از "تصور خطر مشترک" که جهان اسلام را تهدید می‌کند در بیانات و مکتوبات ایشان ۱۵۰ مورد می‌باشد؛ به‌عنوان مثال: "اگر مسلمین دست در دست هم بگذارند و با هم صمیمی

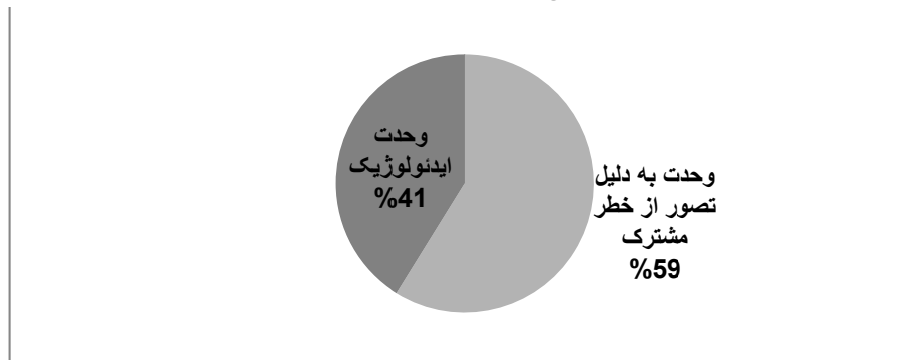
باشند، ولو عقایدشان مخالف با یکدیگر باشد، اما آلت دست دشمن نشوند، دنیای اسلام سربلند خواهد شد. آن وقت، مگر آمریکا و غیر آمریکا جرأت می‌کنند که به دنیای اسلام بیایند و یک جا را پایگاه قرار بدهند و منافع کشورهای اسلامی و ملت‌های مسلمان را تهدید کنند؟" (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۶۹/۰۷/۱۱). بر این اساس در اثر وحدت ملت‌های مسلمان، قدرت و نقش جهان اسلام در نظام بین‌الملل افزایش می‌یابد. از این رو جمهوری اسلامی در صدد ایجاد یک بلوک قدرت از طریق اتحاد ملت‌های مسلمان است تا بهتر از منافع جهان اسلام دفاع نماید (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۸: ۳۵۲).

همچنین پایه دیگر این استراتژی، اتحاد و ائتلافی است که بر پایه آموزه‌های اسلامی قرار دارد و به نوعی می‌توان آن را با توجه به الگوی هالستی اتحادی دانست که بر پایه وجود دلایل ایدئولوژیک شکل می‌گیرد. فراوانی حاصل از تأکید بر اتحادی که ناشی از آموزه‌های اسلامی می‌باشد ۱۰۵ مورد است. براساس تعالیم دین اسلام، همه مسلمانان امت واحدی را تشکیل می‌دهند. اسلام مرزهای جغرافیایی را که امروزه مسلمانان را تقسیم کرده به‌عنوان حکم ثانویه می‌پذیرد، ولی به تدریج آنان باید در قالب یک امت یک‌پارچه متحد گردند. نگاه اسلام به امت به‌عنوان یک مجموعه واحد است. آیت‌الله خامنه‌ای در این زمینه چنین بیان می‌کنند: "این فرهنگ دینی برخاسته از نظام اسلامی که خود منشأ نظام اسلامی هم بوده است و حرکت به سمت وحدت اسلامی که در همین تفکر، یکی از چیزهایی که وجود دارد، وحدت امت اسلامی است؛ یعنی نگاه اسلام به امت به‌عنوان یک مجموعه واحد و همچنین پرهیز از اختلافات قومی و طایفه‌ای در دنیای اسلام و در جوامع اسلامی، چیزی است که پیام‌آور آن، انقلاب اسلامی بود. از این‌ها نباید غفلت نمود و این‌ها را نباید فراموش کرد" (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۲/۰۶/۱۹-ب).

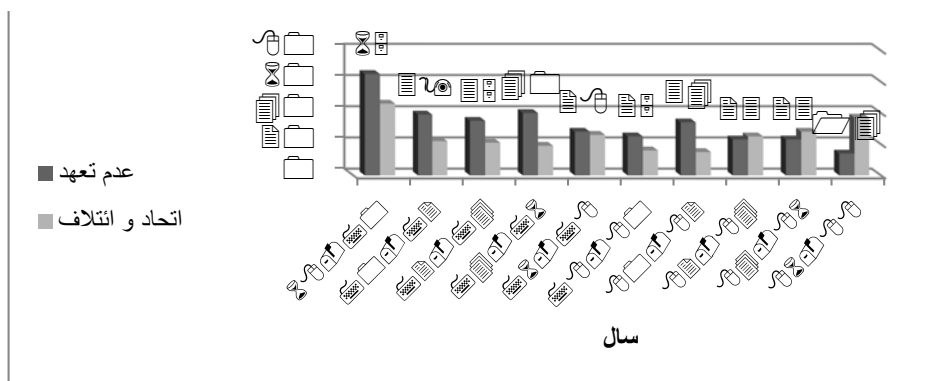
در تاریخ معاصر جوامع مسلمان، انقلاب اسلامی ایران نقطه اوج اندیشه‌ای تلقی می‌شود که ضمن اصالت بخشیدن به مرزبندی‌های عقیدتی، تقسیم‌بندی‌های جغرافیایی و سیاسی موجود به‌ویژه در جهان اسلام را تصنعی دانسته و مبارزه با آن را تکلیف دینی خود می‌شمارد. چنین تفکری با الهام‌گرفتن از دستورات اُکید اسلام مبنی بر اتحاد و برادری میان مسلمانان و با درس‌آموزی از تجربیات یک‌صدوپنجاه سال گذشته سرزمین‌های اسلامی از نفوذ استعماری که محصول چندپارگی آن‌ها بوده، بر آن است تا از یک‌سو تضادها را از میان بردارد و وحدت از دست رفته ملل اسلامی را مجدداً بازیابد و از سوی دیگر با نفی چارچوب کنونی نظم بین‌المللی و تقسیمات نشأت گرفته از آن، زمینه‌های تحقق نظام بین‌الملل اسلامی را فراهم نماید. در حالی که "دولت ملی" و "حاکمیت سرزمینی" پس از وستفالیای بنیاد سیستم بین‌المللی حاضر محسوب می‌شود

حامیان برقراری نظم جهانی اسلام اعمال آن‌را در بلاد اسلامی توطئه‌ای استعماری و ثمره همدستی قدرت‌های امپریالیستی و حکام فاسد و ستمگر داخلی می‌دانند. دسیسه‌ای که مسلمانان را از اتحاد اصیل خود بازداشته و با درگیر نمودن آن‌ها در گرداب تفرقه‌ها و اختلافات ظاهری آن‌ها را ناتوان ساخته است. بنابراین ضعف دنیای اسلام زمانی از بین خواهد رفت که یک اتحاد واقعی بر مبنای رشته‌های نامرئی پیوندهای مستحکم عقیدتی میان ملل اسلامی پدید آید. مبارزه برای تحقق این هدف موجد رسالتی جهانی است که انقلاب اسلامی ایران به‌دوش کشیدن بار آن‌را یکی از اهداف و آرمان‌های اصلی خود قرار داده است (نوروزی، ۱۳۸۳: ۲۰۷).

نمودار شماره ۴. شاخص‌های سمت‌گیری اتحاد و ایجاد ائتلاف



نمودار شماره ۵. مقایسه دو سمت‌گیری عدم تعهد و اتحاد و ائتلاف (۱۳۶۸-۱۳۸۸)



در نمودار شماره (۵) بسامد دو سمت‌گیری عدم‌تعهد و اتحاد و ائتلاف در طی سال‌های ۱۳۶۸ تا ۱۳۸۸ مقایسه شده است. تأکید بر این دو سمت‌گیری در مجموعه آثار آیت‌الله خامنه‌ای، در تمام سال‌های مورد بررسی وجود داشته است. سمت‌گیری یا استراتژی سومی که ممکن است برخی از کشورها در مناسبات بین‌المللی برگزینند، انزوگرایی می‌باشد. صفر بودن بسامد شاخص‌های این استراتژی در بیانات و نامه‌های ایشان، بیان‌گر این مطلب است که ایشان پذیرای استراتژی انزوگرایی در روابط بین‌الملل نیستند.

نتیجه‌گیری

حلقه اول از الگوی تحلیل نهادی هیلزمن در جمهوری اسلامی، جایگاه مهم رهبری در تصمیم‌گیری‌های سیاست خارجی می‌باشد. تمرکز نگارندگان، جهت بررسی سمت‌گیری‌های سیاست خارجی بر بیانات و نامه‌های آیت‌الله خامنه‌ای قرار گرفت. پس از مشخص شدن ویژگی‌های سه سمت‌گیری عدم‌تعهد، اتحاد و ایجاد ائتلاف و انزوگرایی در الگوی نظری هالستی، تحلیل گفتارها و نوشتارهای مقام رهبری جمهوری اسلامی ایران در سال‌های ۱۳۶۸ تا ۱۳۸۸ نمایان‌گر حضور دو سمت‌گیری عدم‌تعهد در برابر قدرت‌های بزرگ و اتحاد و ایجاد ائتلاف با جهان اسلام در سیاست خارجی می‌باشد. جمهوری اسلامی ایران با اتخاذ سمت‌گیری عدم‌تعهد در سیاست خارجی خود سعی می‌کند وابستگی‌های خارجی خود را به حداقل برساند و با گام برداشتن در مسیر خودکفایی توان و مقاومت خود را در مقابله با پیامدهای حاصل از موضع‌گیری‌های مستقل خود در نظام بین‌الملل افزایش دهد. زیرا یکی از شاخص‌های عدم‌تعهد، "داشتن نقشی مستقل در نظام بین‌الملل" است که بنا به مضمون گفتار و نوشتار آیت‌الله خامنه‌ای، "جمهوری اسلامی ایران تنزل از مواضع به حق خود را جهت جلب محبت یا همکاری با قدرت‌های زورگو" نمی‌پذیرد و "خط جدایی از ابرقدرت‌ها" و "مقابله با استکبار" را جزء وظایف خود می‌داند، به طوری که "سیاست نه شرقی و نه غربی" به معنای "عدم‌وابستگی به قدرت‌ها" و "نفی مستکبرین" است. از طرفی بی‌اعتمادی و بدبینی نسبت به قدرت‌های بزرگ و تأکید بر خطر توطئه آن‌ها به ایجاد وحدت داخلی کمک می‌کند. سمت‌گیری مهم دیگری که در بیانات ایشان نمود پیدا می‌کند، اتحاد و ائتلاف کشورهای اسلامی است. بنا بر این دیدگاه، کشورهای اسلامی باید یکی از وظایف خود را تلاش در مسیر ایجاد یک بلوک اسلامی یک‌پارچه در مقابل تهدیدها و فشارهای قدرت‌های نظام بین‌الملل بدانند و با این اتحاد و ائتلاف در جهت ارتقای افزایش جایگاه کشورهای اسلامی در مناسبات بین‌المللی بکوشند. چنین اتحاد و ائتلافی برآیند تصور از

خطر مشترکی است که کشورهای اسلامی را تهدید می‌کند. این سمت‌گیری بازگویی آموزه‌های اسلامی در جهت ایجاد یک امت واحد اسلامی می‌باشد. بسامد حاصل از شاخص‌های این دو سمت‌گیری در بیانات و نامه‌های آیت‌الله خامنه‌ای بیان‌گر این موضوع می‌باشد که دو سمت‌گیری عدم‌تعهد و اتحاد و ائتلاف، می‌تواند به‌عنوان یک الگویی از سیاست خارجی اسلامی باشد. الگویی که در رفتارهای سیاست خارجی سعی می‌کند با به‌حدّ اقل رساندن وابستگی‌های خارجی (خودکفایی) در مقابل قدرتهای بزرگ ایستادگی نموده و در موضع‌گیری‌های خود در نظام بین‌الملل مستقل عمل کند و وحدت و انسجام داخلی را با تأکید بر خطر قدرتهای بزرگ به حدّ اکثر برساند و با ایجاد یک بلوک قدرت ناشی از ائتلاف کشورهای اسلامی، بر جایگاه آن‌ها در مناسبات بین‌المللی بیفزاید.

منابع

- ازغندی، علیرضا (۱۳۷۸)، "تنش‌زدایی در سیاست خارجی، مورد جمهوری اسلامی ایران"، *سیاست خارجی*، سال سیزدهم، شماره ۲، صص ۱۰۴۷-۱۰۳۵.
- ازغندی، علیرضا (۱۳۸۱)، *سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران*، تهران: قومس.
- ازغندی، علیرضا (۱۳۸۹)، *چارچوب‌ها و جهت‌گیری‌های سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران*، تهران: قومس.
- آشوری، داریوش (۱۳۷۸)، *دانشنامه سیاسی*، تهران: مروارید.
- راست بروس و هاروی استار (۱۳۸۱)، *سیاست جهانی: محدودیت‌ها و سیاست‌های انتخاب*، ترجمه: علی امیدی، تهران: وزارت امور خارجه.
- پلینو، جک سی و روی آلتون (۱۳۷۵)، *فرهنگ روابط بین‌الملل*، ترجمه: حسن پستا، تهران: فرهنگ معاصر.
- تیشه‌یار، ماندانا و مهناز ظهیری‌نژاد (۱۳۸۴)، *سیاست خارجی عراق: بررسی نقش جغرافیایی سیاسی عراق در روابط با همسایگان*، تهران: مؤلفین.
- حقیقت، سیدصادق (۱۳۸۵)، *مبانی، اصول و اهداف سیاست خارجی اسلامی*، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- حقیقت، سیدصادق (۱۳۷۶)، *مسئولیت‌های فراملی در سیاست خارجی دولت اسلامی*، تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک ریاست جمهوری.
- خامنه‌ای (آیت‌الله)، سیدعلی (۱۳۷۳- الف)، "بیانات در سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی (ره)" در ۱۴ خرداد ۱۳۷۳ قابل دسترس در: <http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2717>

خامنه‌ای (آیت‌الله)، سیدعلی (۱۳۸۲- ب)، "بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان" در ۱۹ شهریور ۱۳۸۲ قابل دسترس در:

<http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3192>

خامنه‌ای (آیت‌الله)، سیدعلی (۱۳۷۶- الف)، "بیانات در دیدار اعضای مجمع جهانی اهل بیت(ع)" در ۱۴ بهمن ۱۳۷۶ قابل دسترس در:

<http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2872>

خامنه‌ای (آیت‌الله)، سیدعلی (۱۳۷۵- ب)، "بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان و دانش‌آموزان" در ۸ آبان ۱۳۷۵ قابل دسترس در:

<http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2817>

خامنه‌ای (آیت‌الله)، سیدعلی (۱۳۶۹- ج)، "بیانات در دیدار میهمانان و شرکت‌کنندگان کنفرانس جهانی اهل بیت(ع)" در ۴ تیرماه ۱۳۶۹، قابل دسترس در:

<http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2314>

خامنه‌ای (آیت‌الله)، سیدعلی (۱۵ تیر ۱۳۶۸)، "بیانات در مراسم بیعت روحانیون و مسئولان و اقشار مختلف مردم سراسر کشور"، قابل دسترسی در:

<http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2129>

خامنه‌ای (آیت‌الله)، سیدعلی (۳۱ مرداد ۱۳۶۸)، "بیانات در دیدار وزیر و کارکنان وزارت امور خارجه"، قابل دسترسی در:

<http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2167>

خامنه‌ای (آیت‌الله)، سیدعلی (۱۱ تیر ۱۳۶۸)، "بیانات آیت‌الله‌خامنه‌ای در ضیافت شام به افتخار رئیس‌جمهور تانزانیا"، قابل دسترسی در:

<http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=12069>

خامنه‌ای (آیت‌الله)، سیدعلی (۳ تیر ۱۳۶۸)، "بیانات در مراسم کارکنان و مسئولان دستگاه‌های اطلاعاتی"، قابل دسترسی در:

<http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2103>

خامنه‌ای (آیت‌الله)، سیدعلی (۱ مرداد ۱۳۶۹)، "بیانات در دیدار با مسئولان وزارت امور خارجه و سفرا و کارداران جمهوری اسلامی ایران"، قابل دسترسی در:

<http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2337>

خامنه‌ای (آیت‌الله)، سیدعلی (۱۲ اردیبهشت ۱۳۶۹)، "سخنرانی در دیدار با گروه کثیری از معلمان و مسئولان امور فرهنگی کشور و جمعی از کارگران، به مناسبت روز معلم و روز جهانی کارگر"، قابل دسترسی در:

<http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2304>

خامنه‌ای (آیت‌الله)، سیدعلی (۲۲ دی ۱۳۶۹)، "بیانات در دیدار با فرماندهان عالی‌رتبه نیروهای نظامی و انتظامی و اعطای آئین‌نامه انضباطی نیروهای مسلح به رئیس ستاد فرماندهی کل قوا"، قابل دسترسی در:

<http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2410>

خامنه‌ای (آیت‌الله)، سیدعلی (۱۱ اردیبهشت ۱۳۷۰)، "بیانات در دیدار جمعی از کارگران و معلمان"، قابل دسترسی در:

<http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2449>

خامنه‌ای (آیت‌الله)، سیدعلی (۱۳ آذر ۱۳۷۰)، "بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم"، قابل دسترسی در:

<http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2520>

خامنه‌ای (آیت‌الله)، سیدعلی (۳۱ فروردین ۱۳۷۳)، "بیانات در دیدار کارگزاران حج"، قابل دسترسی در:

<http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2710>

خامنه‌ای (آیت‌الله)، سیدعلی (۳۰ خرداد ۱۳۷۳)، "بیانات در دیدار کارگزاران نظام"، قابل دسترسی در:

<http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2625>

خامنه‌ای (آیت‌الله)، سیدعلی (۸ آذر ۱۳۷۴)، "بیانات در دیدار جمعی از بسیجیان"، قابل دسترسی در:

<http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2775>

خامنه‌ای (آیت‌الله)، سیدعلی (۳۰ بهمن ۱۳۸۰)، "پیام به کنگره عظیم حج"، قابل دسترسی در:

<http://farsi.khamenei.ir/message-content?id=3109>

خامنه‌ای (آیت‌الله)، سیدعلی (۱۵ بهمن ۱۳۸۱)، "بیانات در دیدار مسئولان سازمان صدا و سیما"، قابل دسترسی در:

<http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=7227>

خامنه‌ای (آیت‌الله)، سیدعلی (۱۹ بهمن ۱۳۸۳)، "بیانات در دیدار جمعی از فرماندهان و کارکنان نیروی هوایی ارتش"، قابل دسترسی در:

<http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3270>

خامنه‌ای (آیت‌الله)، سیدعلی (۱۲ مرداد ۱۳۸۴)، "بیانات در مراسم تنفیذ حکم ریاست جمهوری"، قابل دسترسی در:

<http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3300>

خامنه‌ای (آیت‌الله)، سیدعلی (۱۲ اردیبهشت ۱۳۸۷)، "بیانات در مراسم نظامی مشترک یگان‌های نیروهای مسلح استان فارس"، قابل دسترسی در:

<http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3429>

خامنه‌ای (آیت‌الله)، سیدعلی (۸ آذر ۱۳۷۴)، "بیانات در دیدار جمعی از بسیجیان"، قابل دسترسی در:

<http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2775>

خامنه‌ای (آیت‌الله)، سیدعلی (۷ تیر ۱۳۶۹)، "پیام به کنگره عظیم حج"، قابل دسترسی در:

<http://farsi.khamenei.ir/message-content?id=2332>

خامنه‌ای (آیت‌الله)، سیدعلی (۴ خرداد ۱۳۶۹)، "بیانات در دیدار میهمانان و شرکت‌کنندگان کنفرانس جهانی اهل‌بیت(ع)"، قابل دسترسی در:

<http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2314>

خامنه‌ای (آیت‌الله)، سیدعلی (۲۴ شهریور ۱۳۷۱)، "بیانات در دیدار کارگزاران نظام"، قابل دسترسی در:

<http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2636>

خامنه‌ای (آیت‌الله)، سیدعلی (۱۴ شهریور ۱۳۷۲)، "بیانات در دیدار کارگزاران نظام"، قابل دسترسی در:

<http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2683>

خامنه‌ای (آیت‌الله)، سیدعلی (۲۴ مرداد ۱۳۷۴)، "بیانات در دیدار کارگزاران نظام"، قابل دسترسی در:

<http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2761>

خامنه‌ای (آیت‌الله)، سیدعلی (۱۸ مهر ۱۳۷۵)، "بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم"، قابل دسترسی در:

<http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2815>

خامنه‌ای (آیت‌الله)، سیدعلی (۱ مرداد ۱۳۷۶)، "بیانات در دیدار مهمانان کنفرانس وحدت اسلامی"، قابل دسترسی در:

<http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2845>

خامنه‌ای (آیت‌الله)، سیدعلی (۱۵ آبان ۱۳۷۸)، "بیانات در دیدار کارگزاران نظام"، قابل دسترسی در:

<http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2979>

خامنه‌ای (آیت‌الله)، سیدعلی (۲۵ آذر ۱۳۸۰)، "بیانات در دیدار کارگزاران نظام"، قابل دسترسی در:

<http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3098>

خامنه‌ای (آیت‌الله)، سیدعلی (۱۹ شهریور ۱۳۸۲)، "بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری"، قابل دسترسی در:

<http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3192>

خامنه‌ای (آیت‌الله)، سیدعلی (۲۹ دی ۱۳۸۰)، "پیام به کنگره عظیم حج"،

<http://farsi.khamenei.ir/message-content?id=155>

خامنه‌ای (آیت‌الله)، سیدعلی (۸ اسفند ۱۳۸۴)، "بیانات در دیدار استانداران سراسر کشور"، قابل دسترسی در:

<http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3331>

خامنه‌ای (آیت‌الله)، سیدعلی (۲۵ اسفند ۱۳۸۷)، "بیانات در سالروز ولادت حضرت پیامبر اعظم(ص)", قابل دسترسی در:

<http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=6022>

خامنه‌ای (آیت‌الله)، سیدعلی (۱۱ مهر ۱۳۶۹)، "سخنرانی در دیدار با گروه کثیری از آزادگان و اقشار مختلف مردم، در اولین روز از هفته وحدت"، قابل دسترسی در:

<http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2363>

دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال (۱۳۸۸)، **سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران**، تهران: سمت.

دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال (۱۳۹۰)، "نظریه اسلامی سیاست خارجی: چارچوبی برای تحلیل سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران"، روابط خارجی، سال سوم، شماره اول، صص ۴۷-۷.

رحیق اعضان، علی (۱۳۸۴)، *دانشنامه در علم سیاست*، تهران: فرهنگ صبا.

ستوده، محمد، (۱۳۸۵)، *تحولات نظام بین‌الملل و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران*، قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه.

سیف‌زاده، سیدحسین (۱۳۷۶)، *مبانی و مدل‌های تصمیم‌گیری در سیاست خارجی*، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.

سیف‌زاده، سیدحسین (۱۳۸۵)، *اصول روابط بین‌الملل (الف و ب)*، تهران: سمت.

صدقی، ابوالفضل (۱۳۸۶)، *سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران از آغاز تا سال ۱۳۶۸*، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

صفوی، سیدحمزه (۱۳۸۷)، *کالبدشکافی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران*، تهران: دانشگاه امام صادق.

طاهایی، سیدجواد (۱۳۸۷)، *جایگاه قانون اساسی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران*، تهران: دانشگاه آزاد اسلامی.

علی‌بابایی، غلامرضا (۱۳۸۳)، *فرهنگ روابط بین‌الملل*، تهران: وزارت امور خارجه.

مقتدر، هوشنگ (۱۳۵۸)، *مباحثی درباره سیاست بین‌الملل و سیاست خارجی*، تهران: انتشارات دانشکده علوم سیاسی و اجتماعی.

مقتدر، هوشنگ (۱۳۷۰)، *سیاست بین‌الملل و سیاست خارجی*، تهران: مفهرس.

نقیب‌زاده، احمد (۱۳۸۸)، *فرایند تصمیم‌گیری در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران (چالش‌ها، آسیب‌ها و راهکارها)*، تهران: دانشگاه آزاد اسلامی.

نوروزی، نورمحمد (۱۳۸۲)، *تحول گفتمان سیاسی و پویای الگوی رفتار سیاست خارجی در ایران*، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، پایان‌نامه دوره دکترای روابط بین‌الملل.

هالستی، کالویچاکوی (۱۳۷۶)، *مبانی تحلیل سیاست بین‌الملل*، ترجمه بهرام مستقیمی و مسعود طارم‌سری، تهران: وزارت امور خارجه.

نخعی، هادی (۱۳۷۶)، *توافق و تزاخم منافع ملی و مصالح اسلامی*، تهران: وزارت امور خارجه.